



7 آگست 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران (بخش چهاردهم)

ادامه مبحث دهم

پاسخ به بعضی سؤاها

سؤال چهارم: اگر معاهده در آنوقت امضاء نمی شد، چه زیانی را در آینده برای کشور بار می آورد؟

یکی از متخصصان ورزیده افغان در امور زراعت و آبیاری انجنیر میر محمد اکبر رضا (درکابینه اول نوراحمد اعتمادی وزیر زراعت و بعد والی ولایت هلمند و رئیس عمومی پروژه انکشافی وادی هلمند و ارغنداب) که در چندین دوره مذاکرات هیئت های افغانی با جانب ایران اشتراک داشت و در تسوید نهائی معاهده آب هلمند نقش عمده بازی کرد، در 8 می 1998 طی یک مصاحبه مبسوط با رادیو 24 ساعته منتشره کالیفورنیا مطالبی مهمی را در باره اساسات حقوقی و بین المللی استفاده از آب دریاهائیکه از یک کشور منبع گرفته و به کشور دیگر منتهی میشوند، بیان کرد. انجنیر رضا در این مصاحبه از سه اصل حقوقی نام برد: یکی حق استفاده یا تمتع Right of Beneficiary ، دیگر حق اولیت یا تقدم Right of Priority و بالاخره حق حاکمیت Right of Sovereignty .

مقصد از حق استفاده یا تمتع مقدار آبی است که کشور پایان آب از آن استفاده میکند به عبارت دیگر هر مقدار آبی را که کشور منبع مورد استفاده قرا ندهد و آن مقدار به کشور دیگر برسد، آن کشور که پایان آب نامیده میشود، حق دارد از آن مقدار آب استفاده نماید. حق اولیت یا تقدم را کشوری دارد که آب دریا از آنجا منبع میگیرد و آن کشور حق دارد برطبق ضرورت خود مقدار لازم آب دریای خود را مورد استفاده قرار دهد و به همین دلیل است که حق حاکمیت را بر آب خود تا حدی دارد که از آن استفاده نماید.

افغانستان با آنکه در سالهای 1950 کوشید تا با رویدست گرفتن پروژه انکشافی وادی هلمند و احداث بند کجکی در 1952 و همزمان ایجاد نهر بغرا یک مقدار آب دریای هلمند و ارغنداب (معاون هلمند) را ذخیره کند و از آن برای آبیاری و تولید برق استفاده نماید، اما این پروژه با مشکلاتی مالی مواجه شد و نتوانست طور لازم به نتیجه برسد و نیز حکومت های افغانستان قادر نشدند تا در احداث بندها و انهار و انکشاف مزید ساحات زراعتی از آنوقت تا امروز در آن منطقه موفق شوند. در مقابل حکومت ایران توانست با اعمار بندها و ذخیره گاه های آب از یکطرف و انکشاف سریع ساحات زراعتی از طرف دیگر طی این چند دهه اخیر در سیستان انکشاف چشمگیر را براه اندازد.

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

نظر به اهمیت مصاحبه انجنیر رضا لازم است قسمت های عمده آنرا در اینجا به ارتباط سؤال فوق الذکراقتباس دارم. موصوف ضمن شرح موضوع گفت: «رودخانه های افغانستان از منابع مهم اقتصادی و اجتماعی افغانستان بشمار میروند، نه تنها از نظر سیاسی بلکه باید از این منابع ملی استفاده درست صورت گیرد. برای سالهای طولانی ما نتوانستیم از آبهای داخلی دریاهاى هلمند، آمو، کابل، فراه رود و غیره استفاده لازم کنیم. دلیل عمده فقدان امکانات مالی و وسایل مورد نیاز بود که زیربناهای اقتصادی عمده را برای کنترل این آبها و قابل استفاده ساختن آن به وجود بیاوریم. حتی امروز بیش از 90 فیصد جریان آب دریای آمو را ممالک اتحاد شوروی سابق مصرف میکنند. حالانکه واضح است که این حق ملی ما افغانهاست و آنرا باید در داخل افغانستان مصرف میکردیم. به همین ترتیب طی 120 سال گذشته آب افغانستان نیز بصورت وافر طرف ایران جریان داشت و آنها استفاده میکردند. و نظر به معضلات اقتصادی که ما داشتیم، متأسفانه نتوانستیم که مقدار کافی آب خود را در داخل کشور مصرف کنیم. آرزو موجود بود، ولی متأسفانه مسائل سیاسی و موضوعات بین المللی برای ما مساعد نبود و آنها کمکی نکردند تا قرضه ها و کمک هایی را در اختیار ما قرار دهند تا ما با ساختمانهای اساسی و زیربنائی مربوطه از آب خود استفاده کرده بتوانیم.»

انجنیر رضا علاوه کرد که: «دلیل دیگر هم یک اختلاف نظر سیاسی با ایران داشتیم. لذا از نگاه روابط سیاسی که افغانستان و ایران با ممالک پیشرفته داشتند، همین مشکل برای آن کشورها مجال نمیداد که در مورد آب هلمند به افغانستان کمک کنند. حتی ملل متحد هم نتوانست در حصه مالی در پروژه هلمند و غیره با ما کمک کند. تا اندازه که امکان بود، حکومت های وقت کوشش کردند تا پروژه هایی را برای استفاده اعظمی از آب هلمند رویدست گیرند، چنانچه پروژه وادی هلمند آغاز شد، ولی هنوز هم در جهت تکمیل آن پروژه کار کافی نکردیم که تمام حقایق ملی افغانستان را بصورت مفید استعمال کنیم. برای نسل های آینده ضروریست که برای تحفظ حق ملی افغانستان و استفاده مردم افغان از آب افغانستان و تمام آبهای که ممالک همسایه به آن اشتراک دارند، استفاده اعظمی نمائیم.»

انجنیر رضا در مورد استفاده از پرنسیپ های حقوقی تأکید کرد و گفت که: «از نگاه حقوقی مسئله مهمی که در پیش می آید، اینست که ممالک دارا یعنی ممالک پایان آب دارا [غنی] کوشش میکنند که با استفاده از حق تمتع یعنی از آبهای ما که در افغانستان از آن استفاده کرده نمیتوانیم، آنها در توسعه اراضی و آبیاری خود استعمال میدارند و تثبیت حق اولیت استفاده را قایل میکنند که به این ترتیب مراجع حقوقی و محکمه های بین المللی به این روحیه به آنها کریدت و امتیاز میدهند که در آنوقت ما حق نخواهیم داشت که اب را دوباره کنترل کنیم، زیرا آنها ادعا میکنند که یک کتله بشری را که آنها به این آب ضرورت دارند و در آنجا مسکون میباشند، شما نمی توانید حیات آنها را با قطع کردن مقدار آب و یا کم کردن آن به خطر مواجه سازید.»

انجنیر رضا تصریح کرد که: «لذا انکشاف وسیع استعمال آبهای ملی حتمی و ضروریست و یا با موجودیت معاهدات قاطع که حق ملی افغانستان را برای همیشه حفظ کند، باید اقدام کرد. بنابراین ما اقدام کردیم که بصورت ممکن یک معاهده قطعی را با ایران منعقد کنیم، زیرا ادامه وقت به نفع افغانستان نبود. به دلیل اینکه ایران مملکت دارا [غنی] بود، میتواند که سطح کشت خود را در سیستان بیشتر توسعه دهد و در این حال آب زیاد را مصرف کند و حق اولیت استعمال آب را برای سیستان ادعا کند که باز ما نمیتوانستیم در هیچ محکمه بین المللی اقامه دعوا کنیم و نمیتوانستیم با کم

کردن مقدار آب حیات یک کتله بشری را که زندگی شان به آن آب بسته بود، از این حق محروم سازیم.»

انجنیر رضا اذعان داشت که: « به این دلیل کوشش شد که معضله 120 ساله آب را تا جائیکه ممکن بود و در قدرت و توان حکومت‌های افغانستان بود، زودتر فیصله کنیم و یک اندازه مشخص را به حیث حقابه به جانب ایران تثبیت کنیم که بیشتر از آن حق مطالبه آب را کرده نتوانند. و در اینکار تلاش بعمل آمد تا هرچه زودتر این موضوع فیصله شود و این یک خدمت مهم از نگاه مؤظفیت و مسئولیت ملی شمرده میشود.»

انجنیر اکبر رضا در پایان مصاحبه به تاریخچه موضوع اشاره کرد و گفت: «در 1872م گولد سمید در حکمیت خود توصیه کرد که افغانستان و ایران کاری نکنند که در برداشت آب خساره به یکدیگر برسانند. انگلیس ها خوب میدانستند که افغانستان به هیچوجه به ایران خساره رسانیده نمیتواند، زیرا ایران پایان آب است. اما هدف گولد سمید از این تذکر آن بود تا با تذکر فوق کمبود آب را متوجه افغانستان سازد یعنی بیشتر از نصف آب هلمند در بندر کمال خان باید به ایران برسد که آن عبارت است از کمی بیشتر از 123 مترمکعب فی ثانیه که باید به ایران تحویل داده شود، اما این موافقه مورد قبول واقع نشد. در سال 1905 حکمیت مکماهون در سیستان و چخانسور صورت گرفت. این جنرال انگلیسی فیصله کرد که یک سوم مقدار آبیکه به بندر کمال خان میرسد، باید به ایران تحویل داده شود و اگر ضایعات را از بندرکمال خان تا سرحد را شامل آب سازیم، پس مقادیر آب یک سوم نیست، بلکه تقریباً یک ششم دیگر نیز بر آن اضافه میشود که مقدار آن در حدود 96 متر مکعب فی ثانیه میشود. البته حکمیت مکماهون از طرف امیر حبیبالله خان شهید به دلیل ماده پنجم رد گردید. در سال 1315ش حکومت کابل تحت صدارت محمدهاشم خان با نصف نصف که سهم ایران به 123 متر مکعب فی ثانیه می شد، موافقه کرد، اما شورای ملی افغانستان آنرا رد کرد و قرارداد از اعتبار ساقط شد. در معاهده 22 حوت 1351 ما به ایران در سال نورمال و سالهای سیل آبی یک هشتم را میدهیم و در سالهای خشک سالی مقدار آب به تناسب ریکاردهای خشک سالی تقلیل می یابد و تقریباً به یک بر سیزدهم آب هلمند را به ایران می دهیم که به این اساس ماحق افغانستان را به حیث مالک هلمند تثبیت کردیم و تنها یک مقدارمعین آب را برای ایران دادیم که 26 متر مکعب فی ثانیه در سال نورمال و در سال سیل آب است و با این ترتیب آنها در مورد آب هلمند دیگر شریک ما نیستند. افغانستان ملک آب هلمند است.» (برگرفته ازکست آدیوئی مصاحبه زنده با انجنیر میر محمد اکبر رضا، منتشره رادیو 24 ساعته، به گرداندگی فریده انوری و مینا کرباسی، مورخ 8 می 1998م که از شمال و جنوب کالیفورنیا پخش گردید، مصاحبه کننده: حبیب هوتکی، متن مصاحبه از کست توسط اینجانب به قید قلم آورده شده است.)

از شرح فوق به این نتیجه میرسیم که: اگر 44 سال قبل مقدار حقابه ایران از آب دریای هلمند بوسیله معاهده منعقد مشخص و تعیین نمیگردید، در طی این مدت با انکشاف سریع سیستان در ایران، مقدار آب مورد ضرورت آنها حالا بسیار زیادتر از حقابه معینه آنوقت می بود و افغانستان مجبور بود به اساس قوانین بین المللی این حق ایران را برطبق ضرورت جاری و کنونی آنها قبولدار شود که از اندازه 26 مترمکعب فی ثانیه بسیار بیشتر می بود. لذا عقد معاهده آب هلمند در آنوقت سهمیه ایران را از آب دریای هلمند برای همیشه معین و مشخص نمود و اینکار یک اقدام مفید و بجا و قابل قدر شمرده میشود. جهت تداعی خاطر و به مقصد روشنی بیشتر موضوع، لازم است تا به ذکر ماده دوم تا پنجم معاهده در اینجا پرداخته شود:

د پانوی شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولۍ

«ماده دوم: مجموع مقدار آبی که از رود هلمند (هیرمند) در سال نورمال آب و یاسال مافوق نورمال آب از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می شود منحصر است به اوسط (متوسط) جریان 22 متر مکعب در ثانیه طبق جدول شماره ده راپور کمیسیون دلتای هلمند مورخ 28 فیروزی 1951 مطابق تقسیمات ماهانه ئی که در ستون 2 جدول مندرج ماده سوم این معاهده ذکر شده و یک مقدار اضافی اوسط (متوسط) جریان 4 متر مکعب در ثانیه متناسب به تقسیمات ماهانه مشمول ستون 2 که در ستون 3 جدول مندرج در ماده سوم توضیح گردیده و به ساقیه حسن نیت و علایق برادرانه از طرف افغانستان به ایران تحویل داده میشود.

ماده سوم: در ظرف ماههای سال نورمال آب یا سال مافوق نورمال آب، مقادیر معینه آب از رود هلمند (هیرمند) که در ماده دوم این معاهده تشریح گردیده طبق ستون 4 جدول آتی در بستر رود هلمند (هیرمند) در مواضع ذیل از طرف افغانستان به ایران تحویل داده میشود:

ماه	تقسیمات اوسط (متوسط) جریان آب به متر مکعب در ثانیه باساس 22 متر مکعب دلتای هلمند	تقسیمات اوسط (متوسط) جریان آب به متر مکعب در ثانیه باساس 4 متر مکعب در ثانیه حسن نیت	تقسیمات اوسط (متوسط) جریان آب به متر مکعب در ثانیه مجموع ستون 2 و 3 این جدول یعنی 26 متر مکعب در ثانیه
اکتوبر	423	77	500
نوامبر	1075	197	1272
دسمبر	1948	356	2304
جنوری	2935	532	3467
فیروزی	6612	1204	7816
مارچ	6190	1123	7313
اپریل	2630	481	3111
می	764	139	903
جون	1671	302	1973
جولای	1161	211	1372
اگست	793	144	937
سپتمبر	198	34	232

الف: مواضع تحویل دهی قرار ذیل اند:

1 - در موضعی که خط سرحد رود سیستان راقطع میکند.

2 - در دو موضع دیگر بین پایه سرحدی پنجاه و یک و پنجاه و دو که در خلال مدت سه ماه از انفاذ این معاهده توسط کمیساران طرفین با تثبیت فاصله و سمت هریک از آن دو موضع از یکی از پایه های سرحدی مذکور در جائیکه خط سرحد در بستر رود هلمند (هیرمند) واقع گردیده، تعیین می گردد. تعیین آن دو موضع بعد از تصویب حکومتین (دولتین) نافذ شمرده میشود.

ب: طرفین در مواضعی که در فقرة الف این ماده تذکار یافته تاسیسات مشترک و مناسب که شرایط آن مورد قبول طرفین باشد، اعمار (احداث) و آلات لازمه در آن نصب می نمایند تا مقادیر آب معینه مندرج مواد این معاهده بصورت موثر و دقیق مطابق به احکام این معاهده اندازه گیری و تحویل شود.

ماده چهارم: در سالهاییکه در اثر حوادث اقلیمی مقدار جریان آب از سال نورمال آب کمتر باشد و ارقام اندازه گیری دستگاه آب شناسی دهر اود جریان مربوط به ماههای قبل ماه مورد بحث را نسبت به ماههای مشابه سال

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

نورمال آب، مقدار کمتری نشان دهد، ارقام مندرج در ستون 4 جدول ماده سوم به تناسبی که جریان واقعی ماههای ماقبل همان سال آب سال (درین صورت جریان ماه مارچ ماقبل الی ماه مورد بحث) باماههای مشابه یکسال نورمال آب دارد، برای ماههای آینده همان سال آب تعدیل مییابد و مقادیر تعدیل شده در مواضع مندرج ماده سوم به ایران تحویل داده میشود. هرگاه در طرف یکی از ماههای آینده بعد از ماه مورد بحث، دستگاه آب شناسی دهر اود مقدار آبی برابر یا مازاد بر آب ماه مشابه سال نورمال را نشان دهد، آب ماه مورد بحث طبق ستون 4 جدول ماده سوم تحویل میشود.

ماده پنجم: افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقایق آن از آب رود هلمند (هیرمند) که مطابق احکام مندرج ماده دوم و سوم و چهارم این معاهده تثبیت و محدود شده است، بعضاً یا کلاً محروم سازد. افغانستان با حفظ تمام حقوق و باقی رود هلمند (هیرمند) هر طوریکه خواسته باشد، از آن استفاده می نماید و آنرا بمصرف می رساند. ایران هیچگونه ادعائی بر آب هلمند (هیرمند) بیشتر از مقادیریکه طبق این معاهده تثبیت شده است، ندارد. حتی اگر مقادیر آب بیشتر در دلتای سفلی هلمند (هیرمند) میسر هم باشد و مورد استفاده ایران هم بتواند قرار گیرد.»

در ضمیمه اول معاهده ماده پنجم تقسیمات جریان ماهانه سال نورمال آب را به "ایکرفیت" قرار ذیل تثبیت نموده است: اکتوبر ۱۵۴۰۰۰ ایکرفیت؛ نوامبر ۱۷۲۰۰۰؛ دسمبر ۱۷۶۰۰۰؛ جنوری ۱۷۸۰۰۰؛ فبروری ۲۰۸۰۰۰؛ مارچ ۵۹۷۰۰۰؛ اپریل ۱۱۵۸۰۰۰؛ می ۱۰۳۳۰۰۰؛ جون ۴۴۱۰۰۰؛ جولای ۲۱۱۰۰۰؛ اگست ۱۳۷۰۰۰؛ سپتمبر ۱۲۵۰۰۰؛ (مجموع آب طی ماه های فوق ۴۵۹۰۰۰۰ ایکرفیت)

سؤال پنجم: چرا رئیس جمهور محمد داؤد اکمال طی مراحل معاهده را برای چندسال به تعویق انداخت؟ آیا او مخالف عقد معاهده بود؟

داکتر حسن شرق که در آنوقت یکی از نزدیکان و معتمدان محمد داؤد بود، در کتاب "کرباس پوشها برهنه پا" راجع به اجراءات موسی شفیق در زمان صدارتش می نویسد: «حکومت محمد موسی شفیق که بیشتر از اخلاف [اسلاف] خود - محمد یوسف، میوندوال، اعتمادی و داکتر عبدالظاهر به سیاست خارجی افغانستان و پیدا کردن راه حل مناقشات افغانستان با پاکستان و ایران اقدامات جدی می نمود، با گرایش های ملی و برخوردهای ذهنی گریبانه طبقه روشنفکر و وکلاء درباره تقسیم اب هیرمند و موضوع پشتونستان با پاکستان مواجه گردیدند. اوشان با تمام مخالفت مفکوره های متضاد توانستند به تقسیم اب هیرمند بصورت عادلانه میان ایران و افغانستان موفق گردند و دید و وادیدهای رسمی و مخفیانه را با ذوالفقار علی بوتو برقرار نمایند.»

داکتر شرق می افزاید: «با اینکه اقدامات او مطابق خواسته زمان و عالمانه بود، اما متأسفانه هرطوری بود ذهنیت ها در مقابل او به حیث یک صدراعظم وابسته به خارج روزبروز بیشتر از پیشتر توسعه اختیار میکرد. آنچه حقیقت داشت این بود که او یک مسلمان و ضد کمونیزم بود. او در حل مسئله مورد اختلاف افغانستان با ایران و پاکستان جسورانه و بی توجه به مفکوره و قضاوت دیگران اقدامات می ورزیدند.» (داکتر حسن شرق: "کرباس پوشهای برهنه پا"، چاپ دهلی، 1991، صفحه 101)

از نحوه ای بیان داکتر شرق میتوان به روحیه محمد داؤد نیز تاحدی پی برد که محمد داؤد با آنکه در آنوقت سخت در فکر کودتا و تغییر نظام سلطنتی بود، اما از امضای معاهده آب هلمند با ایران نه تنها ابراز مخالفت نمیکرد، بلکه خاموشی او در زمینه نشانه ای از رضائیت دورنی او پنداشته میشود، چنانکه این احساس را میتوان از ابراز نظر حسن شرق نیز استنباط کرد که موصوف تقسیم آب هلمند

را «عادلانه» خواند و اقدامات شفیق را در راستای حل اختلاف افغانستان با ایران و پاکستان جسورانه توصیف کرد.

پس از کودتای 26 سرطان 1352 به تدریج روابط نزدیک و دوستانه بین ایران و افغانستان در حال استحکام بود، به استثنای دو حادثه سرحدی: یکی در اوایل جمهوریت به دلیل ادعای مالکیت یک قطعه زمین که در اثر تغییر مسیر دریا به وجود آمده بود، بین قطعات سرحدی دو کشور یک برخورد مسلحانه کوچک صورت گرفت و یک عسکر ایرانی در آن جان باخت و بعدتر در اثر مفقود شدن یک علامه سرحدی در حصه اسلام قلعه و منازعه بر یک قطعه زمین که معلوم نمیشد متعلق به کدام کشور است، دیگر کدام اختلاف مهم به وقوع نپیوست که هر دو رویداد از طریق دوستانه حل گردید.

در اپریل 1975 محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم به ایران سفر کرد و در جریان این سفر ایران با دادن یک قرضه دو میلیارد دالری به افغانستان موافقه کرد که 1.7 بلیون دالران برای تمدید خط آهن هرات - قندهار - کابل و سه صد میلیون دالبرای پروژه های پلان هفت ساله در نظر گرفته شده بود تا بدینوسیله افغانستان از طریق استفاده از بندرگاه "چابهار" ایران به بحر راه پیدا کند. در اواخر 1977 شاه ایران دعوت افغانستان را مبنی بر مسافرتش به این کشور در ماه جولای 1978 پذیرفت که وقوع کودتای ثور در افغانستان و تغییر نظام مانع آن گردید. (عبدالصمد غوث: "سقوط افغانستان..."، چاپ دوم، پشاور، 1378ش، صفحه 199 - 200)

به تاسی از تشنید روابط نزدیک و دوستانه و در راستای یک چرخش بزرگ سیاسی جهت حفظ توازن در روابط افغانستان با شرق و غرب و همچنان با کشورهای اسلامی و بخصوص روابط با ایران و پاکستان، محمد داؤد تصمیم گرفت به معاهده آب هلمند که در زمان شفیق امضاء و قسماً در هر دو کشور طی مراحل قانونی شده بود، ولی اسناد مصدقه آن به دلیل تغییر نظام در افغانستان عملی نگردید، رسمیت بخشید. محمد داؤد بتاريخ 4 جوزای 1356 فرمان تبادله اسناد مصدقه معاهده اب هلمند را با این عبارت صادر نمود:

«من محمد داؤد رئیس جمهور

معاهده رود هلمند(هیرمند) میان افغانستان و ایران و دو پروتوکول ضمیمه آنرا که در 22 حوت 1351 مطابق 13 مارچ 1973 از طرف نماینده های با صلاحیت دوطرف در کابل به امضاء رسیده و شورای ملی افغانستان آنرا در نهم جوزای 1351 هـ ش مطابق 30 می 1973 میلادی تصدیق نموده و پادشاه وقت افغانستان آنرا در 13 جولای سال 1352 مطابق سوم جون 1973 توشیح نموده است، برطبق ماده دوازدهم قرارداد مذکور در مورد تبادله اسناد مصدقه آن هدایت داده از طرف دولت جمهوری افغانستان به اجرای مندرجات آن حکم میدهم.»

کابل - قصر ریاست جمهوری، مورخ 4 جوزای 1356

درعین روز رئیس جمهور محمد داؤد با صدور یک فرمان به زلمی محمود غازی سفیر کبیر افغانستان در تهران تفویض صلاحیت کرد تا اسناد معاهده هلمند را به نمایندگی دولت جمهوری افغانستان رسماً با نماینده با صلاحیت دولت شاهنشاهی ایران تبادله نماید. اینکار پس از تقدیم اعتبارنامه های طرفین بتاريخ 15 جوزای 1356 مطابق 5 جون 1977 بین زلمی محمود غازی و

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښکي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

عباس خلعتبری وزیر امور خارجه ایران در تهران تبادلہ گردید و بدینوسیله معاهده آب دریای هلمند رسمیت و ماهیت حقوقی کسب کرد.

اینکه چرا محمد داؤد مدت تقریباً چهارسال اکمال مراحل نهائی معاهده را به تعویق انداخت، میتوان دلایل ذیل را در زمینه ارائه نمود:

1 - به نظر بعضی ها که مدعی اند محمد داؤد با معاهده آب هلمند مخالف بود، طوریکه بعداً آشکار شد و داکتر شرف نیز به اقدام شفیق در زمینه با نظر قدر نگرینست، محمد داؤد در شروع جمهوریت در برابر سؤال یک خبرنگار (به قول وحید مژده - صفحه 183) در باره معاهده مختصر جواب داد و گفت: «من در مورد معاهده هلمند معلومات ندارم.» و اما در اعلام خط مشی خود تصریح کرد که ما تمام معاهدات بین المللی را که افغانستان قبلاً منعقد کرده، محترم می شماریم. با آنکه تا آنوقت معاهده آب هلمند هنوز کاملاً طی مراحل نشده بود، ولی هیچگاه از طرف محمد داؤد در رد آن حتی یک اشاره (چه قبل و چه بعد از تحول 26 سرطان صورت) نگرفته بود. محمد داؤد میخواست پس از استحکام نظام جمهوری و روشن شدن موقف او در پرتو انکشاف روابط با کشورهای دوست و عکس العمل های شان در برابر نظام جدید با دقت و تأنی عمل نماید، چنانکه در آستانه چرخش بزرگ سیاسی خود و گرم شدن روابط با ایران به تبادلہ اسناد مصدقه امر داد و به معاهده آب دریای هلمند با ایران رسمیت بخشید.

2 - پس از امضای معاهده در زمان شفیق، گروههای سیاسی چنان جو و فضای زهرآگین را به وجود آوردند که فرصتی برای تحلیل علمی از مفاد معاهده میسر نشد. در اسناد وزارت امورخارجہ افغانستان سندی وجود دارد که نشان میدهد سالها بعد اهل خبره در افغانستان به خلایق درین معاهده اشاره نموده و آنرا توضیح کردند. بزعم وحید مژده شاید این دلیل، یکی از دلایلی بوده باشد که موجب شد تا محمد داؤد حکم تبادلہ اسناد مصدقه قرار داد هلمند را تا سال چهارم جمهوریت خویش به تعویق اندازد.

3 - این هم بعید از امکان نیست که محمد داؤد پس از آنکه در لویه جرگه 1355 به حیث رئیس جمهور کشور اخذ مقام کرد، خواست با این ترتیب به مشروعیت حقوقی معاهده بیشتر بیفزاید تا بعداً طرف ایران در زمینه بهانه گیری نکند. (والله اعلم)

(ادامه دارد)